

# مدرنیته

## و فرهنگ پست مدرن

O Modernity and Postmodern Culture  
O Jim McGuigan  
O Open University Press: Buckingham  
O ۱۹۹۹

O جاستین اوکان  
مترجم: مهدخت کرم‌پور

### چکیده:

استدلال مک گوییگان به طور موجز این است که پست مدرنیسم، ایده‌آلیسمی فلسفی، نسبی‌گرا و نیهیلیست است. وی مقوله‌ای تحت عنوان فرهنگ پست مدرن را می‌پذیرد و با برداشت فردریک جیمسون که پست مدرنیسم را منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر می‌نامد موافق است.

نویسنده معتقد است که پست مدرنیسمیون فرهنگ مدرنیته تاریخی را فراتر نمی‌برد. اگرچه نوعی مبارزه جویی قدرتمند با مدرنیته فکری است. توصیفات مفرح اما غیرمسئولانه کتاب، هیچ انصافی را در مورد کسانی که چشم‌انداز عقلانی نیمه دوم قرن بیست را دگرگون کرده‌اند، رعایت نمی‌کند.

جیم مک گوییگان، پیرو بررسی انتقادی خود در زمینه مطالعات فرهنگی انگلیسی (پوپولیسم فرهنگی، Routledge, ۱۹۹۲) و بررسی خود درباره سیاست فرهنگی معاصر (عمدتاً انگلیسی) فرهنگ و سیطره عمومی، (Routledge, ۱۹۹۲)، هم اکنون سعی دارد آنچه را که در دو اثر قبلی خود، با احتیاط، به آن پرداخته بود، اکنون مستقیماً مورد بررسی قرار دهد: «پست مدرنیست‌ها».

استدلال مک گوییگان، به طور موجز این است که پست مدرنیسم، ایده‌آلیسمی است فلسفی، نسبی‌گرا و نیهیلیست. این نحله با قرار دادن واژه «پست» قبل از مدرنیته، سؤالاتی اساسی را درباره میزان اعتبار و زنده بودن پروژه مدرن (روشنگری) مطرح می‌کند. با این وجود تز «پست مدرنیته» رد می‌شود؛ ما از سرمایه‌داری فراتر نرفته‌ایم و به هر حال کسان دیگری هستند (میدنر، پک، هابرماس و جیمسون) که می‌توانند توضیحی قانع‌کننده درباره پدیده‌های معاصر، ارائه دهند بدون اینکه ادعا کنند دنیای پست مدرن متمایزی وجود دارد و بدون اینکه مدرنیته عقلانی یا حداقل قسمتی از آن را که خرد

اروپایی منجر گردد. فصل پنجم، خلاصه‌ای سراسر است و کاملاً مثبت از آثار کستلز (Castels) ارائه می‌دهد که به لحاظ «گسترده‌گی و اهداف جاه‌طلبانه... کاملاً قابل مقایسه با بزرگترین آثار تاریخ علوم اجتماعی است». فصل آخر دومین فصل اساسی است که در آن مک گوییگان، به مفهوم «جامعه‌بیم‌زده» (society Risk) و احساس همگانی عدم یقین در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و جایگاه معرفت علمی می‌پردازد.

اهداف مک گوییگان آشکار است: استدلال این کتاب این است که پست مدرنیسمیون فرهنگ، مدرنیته تاریخی را فراتر نمی‌برد. اگرچه نوعی مبارزه جویی قدرتمند با مدرنیته فکری است. در سطرهای پایانی که استدلال او به نتیجه خود می‌رسد، این امر بیان می‌شود: «خرد ابزاری، مفید اما کور است. خرد شکاک، طنزآمیز، مفرح اما مسئول است و خرد انتقادی، حیاتی است. مسأله کلی در این کتاب این است که پست مدرن‌ها نقش چندانی در بازی ندارند. لیوتار، بیشتر از دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد، هرچند هابرماس او را رد کرده است، از بودریار اغلب در لحظاتی طنزآمیز، نامی به میان می‌آید، به ویژه در نتیجه‌گیری، یعنی آن جا که گفته‌ای از بودریار به عنوان مثالی از «عقل و خرد پست مدرن» آورده می‌شود. مبحث فوکو، گویاست. از اثر او درباره «نیرنگ‌های خرد مدرن» یاد می‌شود، اما مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد. فقط به این سبب نامی از بودرلر برده می‌شود که بتوان پرسه‌گرد (Flaneur) را به عنوان تصویر پست مدرنیست بوهیمین (Bohemian) معاصر فرض کرد و قبل از اینکه درباره این اتهام بحثی شود، ما با متشاه الهام واقعی فوکو و پست مدرنیست‌ها روبرو می‌شویم: نیچه، «تابغه شرور نحله نومحافظه‌کاری».

این کتاب در ارائه معنای واقعی مبارزه جویی که پست مدرنیست‌ها مطرح کرده‌اند، ناموفق است و بنابراین در پروژه خود نیز به بن‌بست رسیده است. توصیف «مفرح اما غیرمسئولانه» هیچ انصافی را در مورد کار کسانی که چشم‌انداز عقلانی نیمه دوم قرن بیست را دگرگون کرده‌اند، رعایت نمی‌کند. این کتاب، پست مدرنیسم را به پرسه‌گردی فکری تقلیل داده است (آیا این مسأله بد است؟ در این مورد به ما چیزی گفته نمی‌شود ولی وادار می‌شویم این‌گونه فرض کنیم؛ این کتاب ما را به

انتقادی نامیده می‌شود، طرد کنند. به هر حال مک گوییگان مقوله‌ای تحت عنوان «فرهنگ پست مدرن» را می‌پذیرد. اما نه در معنای اندیشه هنری آوانگارد یا معنای معماری آن. او با برداشت فردریک جیمسون که پست مدرنیسم را «منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر» می‌داند، موافق است: «فرهنگ [پست] مدرن... در نهایت به عنوان فرهنگ به طور عام فهمیده می‌شود که شامل فرهنگ توده‌ای - مردمی معاصر، متون رسانه‌ای و تجارب روزمره است آن هم بر مبنای مدل میدان جاذبه یا ساخت احساس».<sup>۱</sup>

بحث او با کتاب (پوستر) آغاز می‌شود (که بدون هیچ دلیل آشکار و به طرزی آزارنده به شکل اختصاری pommo con ذکر شده است)<sup>۲</sup> و سعی می‌کند آن را در متن پرسش‌های مربوط به معرفت‌شناسی قرار دهد. سپس شاهد گزارشی از پست مدرنیسم در معماری و خلاصه‌ای از متون گوناگون درباره دسینی لند [شهرسازی دسینی] هستیم. گزارشی که ما را هرچه بیشتر به سوی شرحی نظام یافته درباره اینکه پست مدرن‌ها چه هستند و که هستند نزدیک می‌سازد. فصل «مدرنیته، پروژه ناتمام» یکی از فصول اساسی این کتاب است. از هابرماس به کانت و روشنگری باز می‌گردیم و در طول راه با انتقادات فمینیست‌ها و شرق‌شناسان روبرو می‌شویم. بعد از میان پرده‌ای درباره فوکو - که به آن اشاره خواهیم کرد - گزارشی دست دومی از مناقشه لیوتار - هابرماس و خلاصه‌ای موجز از ادعای باومن (Bauman) درباره روشنگری در مدرنیته و هولوکاست (Holocaust)<sup>۳</sup> آورده شده است. به دنبال ادعای مک گوییگان مبنی بر اینکه «پروژه مدرنیته فکری، قابل تجدیدنظر و از حیث نظری، قابل بازسازی است» شاهد شرحی پنج صفحه‌ای درباره رمان یوتوبیایی استیفن لوکس «روشنگری شگفت‌انگیز پروفیسور کربیتال»<sup>۴</sup> هستیم. در فصل سوم، بودریار به جیمسون ترجیح داده می‌شود؛ در فصل چهارم، گمیختگی هویت‌ها به عنوان عنصر مرکزی تفکر پست مدرن مطرح می‌شود، اما با استفاده از انتقادات غیرغربیان به نکاتی اشاره می‌شود؛ نخست آن که این شرح، کمتر از آنچه می‌توان متصور شد، شرحی و اساسانه از «مواجهه با دیگران» است. دوم آنکه این مفهوم به دست افرادی چون هانتینگتون می‌تواند به محافظه‌کاری بینجامد و به تقویت رویکرد